

The Components of Religious Role Models in Children's Literature for the Age Group "A and B"

Zohreh Moosazadeh¹, Mona Faridi Khorshidi², Fatemeh Azdo³

¹ Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran (**Corresponding author**). moosazadeh@isu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. faridi.m@yahoo.com

³ Bachelor, Department of Islamic Studies and Educational Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. ftm.azdo@gmail.com

Abstract

"Model-based education" (or "pedagogy of modeling") is regarded as one of the most effective educational approaches because of the concrete, tangible role that models play in the learning process—especially during childhood, when learning occurs primarily through observation and imitation. The present study was conducted to explore the personality components of religious role models in children's literature for the age group "A and B." The research design was descriptive-analytical, and thematic analysis was employed for data examination. The study population comprised children's storybooks in three categories—Divine Prophets, the Imams (peace be upon them), and their offspring—within the age groups "A and B" published from 1390 to 1402 (2011–2023). Classification of the findings proceeded in three levels: basic, organizing, and comprehensive. The results indicated that the personality components of the religious role models in the corpus consist of ten main themes: guidance and leadership, theism and repudiation of tyranny, religious legitimacy, transcendent powers, moral excellence, social acceptance, patience amid adversity, altruism, justice-seeking, and prudence. Overall, the representation of religious exemplars lacks sufficient personality cohesion, and an excessive focus on certain dimensions yields a one-dimensional, caricatured portrait of the role models. Moreover, some narratives are presented without regard to children's emotional and cognitive comprehension levels and therefore do not maintain a meaningful connection to the child's real world. The findings suggest that an active and inspiring representation of role models, the establishment of meaningful links between narratives and children's everyday life, and the incorporation of contemporary examples can provide a more balanced content structure and enhance the efficacy of model-based education in children's literature.

Keywords: model-based education, religious role models, thematic analysis, children's literature, age group "A and B".

Received: 2025/07/28 ; **Revised:** 2025/10/21 ; **Accepted:** 2025/11/14 ; **Published online:** 2026/03/30

Cite this article: Moosazadeh, Z., Faridi Khorshidi, M. & Azdo, F. (2026). The Components of Religious Role Models in Children's Literature for the Age Group "A and B". *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 7(1), p. 7-30. <https://doi.org/10.48310/riet.2025.20124.1484>

Publisher: Farhangian University

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights





واکاوی مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودک گروه سنی «الف و ب»

زهره موسی‌زاده^۱، منا فریدی خورشیدی^۲، فاطمه از دو^۳

^۱ دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

moosazadeh@isu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. faridi.m@yahoo.com

^۳ کارشناسی، گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

ftm.azdo@gmail.com

چکیده

«تربیت الگویی» به‌عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های تربیتی به‌سبب نقش‌آفرینی عینی و ملموس الگوها در فرایند یادگیری، به‌ویژه در دوران کودکی که عمده‌تأ یادگیری از مسیر مشاهده و همانندسازی رخ می‌دهد، همواره مورد توجه پژوهشگران تربیتی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودک گروه سنی «الف و ب» انجام شد. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده گردید. جامعه پژوهش شامل کتاب‌های داستانی حوزه کودک در سه دسته پیامبران الهی، معصومین (ع) و فرزندان ایشان در گروه‌های سنی «الف و ب» از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ بود. طبقه‌بندی یافته‌ها در سه مرحله پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در جامعه پژوهش شامل ۱۰ مضمون اصلی «راهنمایی و هدایتگری»، «خداپرستی و نفی طاغوت»، «مشروعیت دینی»، «قدرت‌های ماوراء بشری»، «حسن خلق»، «مقبولیت اجتماعی»، «صبر در برابر سختی‌ها»، «خیرخواهی»، «عدالت‌جویی» و «خردورزی» بوده است. در مجموع، بازنمایی اسوه‌های دینی از انسجام شخصیتی کافی برخوردار نبوده و تمرکز بیش از حد بر برخی ابعاد، چهره‌ای یک‌سویه و کاریکاتوری از الگوها پدید آورده است. همچنین برخی روایت‌ها بدون در نظر گرفتن سطح درک عاطفی و شناختی کودک ارائه شده و از پیوند معناداری با دنیای واقعی او برخوردار نیستند. نتایج پژوهش بیانگر این است که بازنمایی فعال و الهام‌بخش از الگوها، ایجاد ارتباط معنادار میان روایت‌ها و زندگی کودک و بهره‌گیری از نمونه‌های معاصر می‌تواند به تعادل محتوایی و اثرگذاری بیشتر تربیت الگویی در ادبیات کودک منجر شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت، الگوهای دینی، تحلیل مضمون، ادبیات کودک، گروه سنی «الف و ب».

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

استاد به این مقاله: موسی‌زاده، زهره؛ فریدی خورشیدی، منا؛ از دو، فاطمه (۱۴۰۵). واکاوی مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودک

گروه سنی «الف و ب». پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۷(۱)، ص ۷-۳۰. <https://doi.org/10.48310/riet.2025.20124.1484>

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

نوع مقاله: پژوهشی

۱۴۰۴/۰۱/۰۷/۲۹ © نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

یکی از موضوعات اساسی در حوزه تعلیم و تربیت، اهمیت تربیت در دوران کودکی و سال‌های اولیه زندگی است. چرا که در این سنین چارچوب اصلی شخصیت‌پیریزی می‌شود و در مراحل بعدی براساس این زیربنای اولیه رشد و تکامل می‌یابد (مرادیان و نوری‌زاد، ۱۳۹۷، ص ۱). به طور کلی در تعلیم و تربیت، انسان هرچه از نظر سنّی کوچک‌تر و جوان‌تر باشد، آمادگی برای هرگونه اثرپذیری بیشتر است؛ یعنی انسان هرچه کم‌سن‌تر باشد، نقش‌پذیرتر است و هرچه که بزرگ‌تر می‌شود، نقش‌ناپذیرتر می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۵۸۲). در سال‌های کودکی قسمت عمده یادگیری انسان از طریق مشاهده رفتار دیگران و سرمشق‌گیری از آن‌ها صورت می‌گیرد (عباسی‌مقدم، ۱۳۷۱، ص ۴۱، ۴۴). در حقیقت انسان همواره کمابیش از دیگران تقلید می‌کند، اما در دوران کودکی به‌ویژه سال‌های پیش از دبستان، به میزان بیشتری از این قوه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در سنین بالاتر نیز اگر با معرفت و آگاهی همراه شود، به صورت انتخابی رخ خواهد داد (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۷). بدین ترتیب تقلید و الگوگیری بنیان یادگیری دوران کودکی است و موجب می‌گردد که کودک طریقه سخن گفتن، راه رفتن، رفتار کردن و به طور کلی شیوه زندگی کردن را از والدین، اطرافیان، دوستان، مربیان و معلمان بیاموزد و بنای اصلی شخصیت خود را براساس آن سامان دهد (ملکوتی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷؛ به نقل از: شریفی، ۱۳۸۸، ص ۲۸). بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیتی که در همه نظام‌های تعلیم و تربیت به‌عنوان شیوه‌ای موثر قلمداد می‌شود، روش «تربیت الگویی» است. در این روش مربی تلاش می‌کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید متری قرار دهد، تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید فراهم آید (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۲۷). الگوپذیری فرایندی است که از طریق مشاهده صورت می‌گیرد و در آن چرستی رفتار یک فرد یا گروه به عنوان محرکی بر روی افکار، نگرش‌ها یا رفتار فرد دیگری که شاهد انجام عمل الگو است، اثر می‌گذارد (قجری و محسنی پشتمساری، ۱۴۰۱، ص ۹۰). در این روش که مربی به صورت غیرمستقیم به کار تربیتی می‌پردازد، مسائل از حالت تحمیلی بیرون می‌آید و خود متری برای یادگیری و دستیابی به آن اقدام می‌نماید (مظفری و سیفی‌کناری، ۱۳۹۹، ص ۳۳). در تعلیم و تربیت اسلامی نیز ارائه الگوهای حسنه به‌عنوان یکی از موثرترین روش‌های تربیتی برشمرده می‌شود. درواقع ارائه الگوهای عملی در مکاتب الهی به حدی حائز اهمیت است که خداوند در طول تاریخ برای هر قوم یک الگوی عملی فرستاده تا راهنما و هدایتگر مردم باشند (راوک، ۱۴۰۰، ص ۷۳). با توجه به اهمیت نقش الگو در سال‌های آغازین تربیت و در نظر داشتن این مهم که ریشه‌های حبّ و بغض در اوان کودکی شکل می‌گیرد، وظیفه والدین و مربیان است که کودکان را با این الگوهای برتر آشنا کنند و پیش از هر چیز

خودشان به سیره آنان عامل باشند (محمدی سیف و عارف، ۱۳۹۷، ص ۹۰-۹۱). بدین ترتیب حُسن استفاده از روحیه آرمان‌گرایی و قهرمان‌دوستی کودکان، سبب می‌شود با شناخت شخصیت، فضیلت، فکر و فرهنگ بزرگان دین، رابطه قلبی ایجاد شود و این ارتباط و علاقه، منجر به تبعیت و همسویی گردد (محمدی سیف و عارف، ۱۳۹۷، ص ۹۷). یکی از ابزارهای مهم در این زمینه، کتاب‌های داستانی کودکان هستند که می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های آنان ایفا کنند. کتاب کودک، ابزاری قوی در انتقال اصیل‌ترین مفاهیم اطلاعاتی به‌شمار می‌رود و با پیوند دادن دنیای تخیلی کودک به دنیای واقعی، او را به ارزش‌های انسانی و اجتماعی رهنمون می‌سازد. در کتب داستانی، کودک با داستان ارتباط برقرار کرده و به آن دل می‌بندد، خود را به جای قهرمان داستان قرار داده و با شادی و غم او همدل و همراه می‌شود. موفقیت‌های قهرمان همچنین تبلیغ غیرمستقیمی برای تشویق کودک جهت پیروی از او و تلاش برای کسب موفقیت است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴-۱۰۵). براساس توضیحات فوق، تکیه بر کارکرد الگویی شخصیت‌های دینی به عنوان قهرمان، به مثابه یکی از عناصر داستان برای کودکان اهمیت خاصی پیدا می‌کند و کتب داستانی کودک می‌توانند با ارائه الگوهای مناسب، بر شخصیت کودکان اثر بگذارند. در ادبیات کودکان، به منظور معرفی شخصیت‌های بزرگ دینی و الگوهای قهرمان، کتاب‌های مختلف با موضوعات متنوعی نگارش شده است، اما میزان موفقیت این کتاب‌ها در تصویرپردازی و ترسیم این الگوهای حسنه با هدف تاثیرگذاری بر شناخت، نگرش و رفتار کودکان، موضوع حائز اهمیتی است که در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودکان گروه سنی «الف و ب» کدامند؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. الگو و الگوگیری

الگو در لغت به معنای طرح، نمونه یا سرمشق است و در علوم مختلف، از جمله تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، معنایی نزدیک دارد. در مورد تربیت و انسان، به شخصیتی گفته می‌شود که به سبب ویژگی‌های مثبت آن، شایسته پیروی است. در روان‌شناسی اجتماعی، فردی است که رفتار او توسط کودکان تقلید می‌شود و در علوم اجتماعی نیز، به شیوه‌هایی از زندگی اشاره دارد که از فرهنگ برمی‌خیزند و اعمال انسان‌ها با آن‌ها تطابق می‌یابد. در مجموع، معنای اصطلاحی الگو در این حوزه‌ها هم‌پوشانی زیادی دارد و بر نقش آن در شکل‌دهی رفتار و نگرش انسان تأکید می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۲۶). بر این اساس، مفهوم «الگو» همواره با فرآیند یادگیری اجتماعی پیوند دارد؛ فرآیندی که در آن یادگیری از طریق مشاهده صورت می‌گیرد و چپستی رفتار یک فرد یا گروه به عنوان محرکی بر روی

افکار، نگرش‌ها یا رفتار فرد دیگری که شاهد انجام عمل الگو است، اثر می‌گذارد (قجری و محسنی پشمساری، ۱۴۰۱، ص ۹۰).

۲-۲. بنیان نظری روانشناختی

در حوزه روانشناسی نظریات متعددی پیرامون موضوع الگوگیری و یادگیری از راه مشاهده وجود دارد که نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۱ از اهمیت زیادی در این زمینه برخوردار است. مطابق با این نظریه، یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران و طی یک فرآیند چهار مرحله‌ای به یادگیری می‌پردازد:

(۱) توجه، که در آن یادگیرنده تحت تاثیر عواملی چون جذابیت، شهرت، شایستگی، مورد احترام بودن و مورد تحسین قرار داشتن فرد الگو، به او توجه می‌کند.

(۲) به یادسپاری، که در آن یادگیرنده رفتار مورد مشاهده را به طور شناختی بازنمایی می‌کند و آن را به حافظه می‌سپارد.

(۳) بازآفرینی، یعنی اگر یادگیرنده توانایی‌های لازم را داشته باشد، رفتار مورد مشاهده را تولید و اصلاح می‌کند.

(۴) انگیزش، یعنی در شرایط مناسب انگیزشی و تشویقی یادگیرنده رفتاری را که مشاهده کرده است، به عملکرد تبدیل می‌کند (سیف، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵-۱۸۱).

در همین راستا، پیازه نیز براساس نظریه رشد اخلاقی معتقد است کودکان زیر ۱۰ یا ۱۱ سال در مرحله «دگرپیروی اخلاقی» قرار دارند. بدین معنا که تفکر یک‌سویه داشته و قوانین را مطلق و ثابت فرض می‌کنند. بر همین اساس قضاوت‌هایشان بر پایه نتایج ظاهری اعمال است، و نه مبتنی بر قصد و نیت عامل (خوی‌نژاد و رجایی، ۱۴۰۲، ص ۲۴۸-۲۴۹). از این‌رو، در سنین مورد نظر پژوهش (گروه الف و ب)، ارائه الگوهایی از انسان‌های کامل اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا در این دوران، انگیزش‌های درونی و ناخودآگاه فرد شکل می‌گیرند و مفاهیم و ارزش‌هایی که در این مرحله تقویت شوند، بعدها به گرایش‌ها و رفتارهای آگاهانه تبدیل می‌گردند (امامی، ۱۳۹۵، ص ۸۴). بنابراین، هراندازه کودک مواجهه بیشتری با الگوهای برتر داشته باشد، نخستین درک خود از مفاهیم اخلاقی و ارزشی را به نحو مطلوب‌تری به دست می‌آورد و زمینه درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری قضاوت‌های اخلاقی پایدار به نحو بهتری در او ایجاد می‌شود.

۳-۲. اسوه در لغت

در زبان عربی، از مفهوم الگو با واژه «اسوه» یاد می‌شود؛ از این‌رو برای بررسی مفهوم الگو در متون

1. Bandura

دینی، باید از این واژه بهره گرفت. اسوه از منظر لغویون دارای مفهومی عام است. چنانکه ابن منظور می‌نویسد: «اُسُوّه» و «اِسُوّه» یعنی قدوه و «اِئْتَسَ به»، یعنی به او اقتداء کن و مانند او باش (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۵). از منظر راغب اصفهانی نیز اسوه حالتی است که انسان در آن از غیر خود پیروی می‌کند، خواه نیک باشد یا بد؛ آشکار باشد یا پنهان (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸). در این راستا، نتایج پژوهش کامیابی و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «تأملی در معناشناسی واژه «اسوه» در قرآن و حدیث»، نشان داد که واژه «اسوه» گرچه در پژوهش‌های دینی معاصر بیشتر به عنوان معادل الگو، مقتدا و پیشوا تفسیر شده است، اما معنای اصلی آن به مداوا و کاهش سختی‌ها اشاره دارد. درواقع این واژه عمدتاً در فضایی کاربرد دارد که مشکلات و رنج‌ها وجود دارند و نقش آن، تسهیل مسیر عمل و کاهش رنج متأسی است، و نه صرفاً ارائه الگو برای تمامی امور زندگی. بنابراین، اسوه معنای عمیق‌تری دارد که معانی وارد شده، در حقیقت از آن برگرفته شده‌اند. چنانچه ابن فارس می‌گوید: اسوه بر درمان و اصلاح کردن دلالت می‌کند و از این رو است که به طیب «آسی» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۰۵). درواقع، کسی که شخصی یا چیزی را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهد، گویا می‌خواهد از این طریق، ضعف و کمبود خود را جبران کند و خویشتن را به نقطه مطلوب برساند؛ هرچند رسیدن به آن، از نظر عقل و فطرت مذموم باشد. لذا، الگو، به الگوی خوب (شایسته) و الگوی بد (ناشایسته) تقسیم می‌شود (محمدری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۶۹).

۲-۴. اسوه در اصطلاح قرآنی

از آنجا که اسوه مفهومی قرآنی است، مذاقه در تفاسیر برای دستیابی به معنای اصطلاحی این واژه در ادبیات قرآنی اهمیت ویژه‌ای دارد. این واژه سه مرتبه در قرآن کریم مطرح شده است. نخست در آیه ۲۱ سوره احزاب^۱، این واژه در مصداق رسول اکرم (ص) تبلور و عینیت یافته و خداوند در آن مومنان را دعوت می‌کند که در شددان جنگ، استقامت ورزیده و به رسول خدا (ص) تأسی کنند. البته اسوه بودن رسول خدا (ص) برای مومنان، به جنگ اختصاص ندارد (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۳). همانطور که در کلام خدا، اطاعت از رسول الله (ص) هیچ قیدی ندارد: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول»، تأسی به ایشان در تمام شؤون، چه در گفتار و چه در رفتار، مورد تاکید و توصیه قرآن است؛ مگر در خصائص النبی^۲ (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۲۷). بنابراین، نخستین شاخصه الگوهای دینی، جامعیت

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَآلَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱).

۲. احکام خاص پیامبر (ص) مانند وجوب حکم نماز شب.

است؛ بدین معنا که می‌توانند تمام ابعاد حیات بشری را پاسخگو باشند. مطابق آنچه در «المیزان» آمده، تعبیر «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» در آیه شریفه به جهت افاده استقرار و استمرار در گذشته است؛ برای اینکه اشاره کند به اینکه، این وظیفه ثابت است و مومنان همواره باید به آن جناب تأسی کنند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۴۳۲). بر این اساس، شاخصه دیگر الگوهای دینی، فرازمانی بودن آن‌ها است؛ چراکه هدف آنان بیدار کردن فطرت برای به کمال رساندن انسان است و فطرت، در طول زمان تغییر نمی‌کند. در صورتی که سایر الگوها، موقتی و زمان‌مند هستند؛ چراکه اهداف آنها مادی و پایان‌پذیر است و برای انسان حالت سیری و اقیاناع ایجاد نمی‌کند. پسندیده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «معاصر سازی اسوه‌های دینی» تأکید کرده که کارایی اسوه‌های دینی در عصر حاضر مستلزم معاصر سازی است که در دو مرحله پژوهش و گزارش محقق می‌شود. در مرحله پژوهش، سیره پژوهی باید زندگی محور و موضوعی باشد و در مرحله گزارش، اصول سیره با رویکردی تبیینی، کاربردی و نظام‌مند ارائه شود، تا ضمن پاسخ‌گویی به اقتضانات زمان، ارتباط اسوه‌های تاریخی با زندگی معاصر برقرار شود. مهم‌ترین بخش تبلیغی يك رهبر، بخش تبلیغ عملی او است و این تنها در صورتی ممکن است که رهبر از جنس پیروانش باشد (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۹۰؛ ج ۱۳، ص ۳۶۱) و با آن‌ها تفاوتی نداشته باشد که سبب حس افتراق و عدم امکان هم‌ذات‌پنداری گردد. در این مورد است که خدای تعالی بیان فرموده: «اگر در روی زمین فرشتگانی بودند ... بر آنان [نیز] فرشته‌ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می‌کردیم».^۱ از این منظر شاخصه دیگر اسوه از دیدگاه قرآن، سنخیت با پیروان از حیث خلقت است؛^۲ به این معنا که ترسیم‌کننده افق‌های دست‌یافتنی هستند، نه موقعیت‌هایی خیالی و دور از دسترس. قرآن مجید در بسیاری از موارد برای تکمیل تعلیمات خود، از الگوهای مهم جهان انسانیت شاهد می‌آورد (مکارم شیرازی و آشتیانی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۷). در آیه ۴ سوره ممتحنه^۳ نیز که به موضوع کافران و تبری نمودن از ایشان پرداخته، واژه «اسوه» به ابراهیم پیامبر(ع) و همراهانش اطلاق شده و مبین قابلیت الگوگیری هم «فردی» و هم «جمعی» از آنان است (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). اشاراتی از این دست بیانگر این مهم می‌باشد که خداوند بندگان را در مسیر هدایت با مجموعه‌ای از مفاهیم مبهم و انتزاعی رها نکرده است؛ بلکه فرامین خود را با نمونه‌هایی عملی همراه کرده که شاهد عینی دستورات الهی و تبلور ویژگی‌های انسان کامل

۱. «لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يُمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا» (ممتحنه، ۱۷).

۲. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» (کهف، ۱۱۰).

۳. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ...» (ممتحنه، ۴).

هستند. از این رهگذر شاخصه بعدی اسوه، یعنی همراهی عینی و عملی با پیرو آشکار می‌گردد. در آیه ششم سوره ممتحنه^۱ نیز بار دیگر شأن اسوه بودن ابراهیم نبی و پیروان ایشان مورد تاکید قرار گرفته و ضرورت تبعیت از آن‌ها مجدداً تصریح می‌گردد. عبارت «وَالَّذِينَ مَعَهُ» در این آیه و آیه قبل بیانگر این واقعیت است که نه فقط پیامبران، بلکه یاران صادق آن‌ها نیز که پیروان و تربیت‌شدگان مکتب انبیاء‌اند، برای ما الگو هستند (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۵۷۸، ۵۸۲). مراد از افرادی که ابراهیم را همراهی می‌کنند، کسانی هستند که برطبق شیوه ابراهیم رفتار و به آیین او عمل می‌کنند، خواه در دوران او باشند و خواه پس از آن (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۲۹۹). این امر بیانگر شاخصه تعمیم‌پذیری الگوهای دینی و مبین وجود اسوه‌های متعدد در سطوح مختلف است. بنابراین، از تمامی معصومین، انبیاء، حجج الهی و حتی پیروان راستین آنان می‌توان به حسب مراتبشان به عنوان اسوه یاد کرد. باتوجه به توضیحات فوق و نتایج به دست آمده از بررسی تفاسیر، می‌توان شاخص‌های پنج‌گانه جامعیت، فرازمانی بودن، سنخیت با پیرو، همراهی و تعمیم‌پذیری را برای اسوه برشمرد.



نمودار ۱- شاخصه‌های اسوه در قرآن کریم

بنابراین، بررسی ریشه‌شناسی اسوه و مذاقه در معنای اصطلاحی این واژه نشان می‌دهد که «اسوه» نه تنها از منظر لفظی و لغوی واجد معنایی ویژه و متمایز است، بلکه در اندیشه اسلامی به مثابه مفهومی فرهنگی و تربیتی تلقی می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در فرایند الگوگیری و انتقال ارزش‌ها دارد.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی-قیاسی بوده و جامعه پژوهش شامل کتب ادبیات کودکان در رده سنی «الف و ب» و در سه حوزه انبیای الهی (ص)، معصومین (ع) و فرزندان ایشان طی بازه زمانی ۱۲ ساله از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ بود. به منظور تعیین نمونه پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. کتاب‌های مورد مطالعه واجد این شرایط بودند: اولاً، متناسب با رده سنی «الف و ب» باشند، ثانیاً، روایت‌گر زندگی شخصیت‌های دینی (پیامبران، معصومین و فرزندان ایشان) باشند، ثالثاً، در قالب داستانی ارائه شده و در بازه زمانی مذکور به چاپ رسیده باشند. علاوه بر این، برای

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...» (ممتحنه، ۶).

غربالگری کتب موجود متناسب با موضوع پژوهش، از کلیدواژه‌های داستان، ادبیات کودک، زندگی معصومین، زندگی پیامبران، قصه‌های کربلا نیز به منظور انتخاب جامعه پژوهش استفاده شد. فرآیند گردآوری منابع و مطالعه آن‌ها به صورت پیوسته و همزمان با شناسایی منابع متناسب با موضوع پژوهش (مطابق با جدول شماره «۱») انجام و فرایند کدگذاری آغاز شد. در مرحله اول با استخراج کلیه متون متناسب با موضوع پژوهش شناسایی و استخراج گردید و این فرایند تا رسیدن به مرحله اشباع نظری و عدم امکان متنی با مفهوم جدید ادامه یافت؛ بنابراین، در این مرحله، ۲۳ جلد کتاب به عنوان جامعه نهایی پژوهش تثبیت شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از راهبرد تحلیل مضمون جهت استخراج ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوهای دینی در ادبیات کودک استفاده گردید. راهبرد تحلیل مضمون به روش‌های مختلفی قابل اجرا و استفاده است. چهار روش مرسوم در تحلیل مضمون به این شرح هستند: قالب مضامین^۱، ماتریس مضامین^۲، شبکه مضامین^۳ و تحلیل مقایسه‌ای^۴. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش شبکه مضامین استفاده گردید. شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید و استرلینگ^۵ آن را توسعه داده‌اند. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقش‌های شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها، به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در گام سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند (مضامین فراگیر). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته‌هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (کاوایانی و نظری، ۱۴۰۱، ص ۵۹-۶۰). ابتدا متناسب با موضوع پژوهش، ۲۳ جلد کتاب حوزه ادبیات کودکان رده سنی «الف و ب» در بازه زمانی مذکور انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. پس از مطالعه چندین باره متون به دست آمده، ابتدا پاراگراف‌های مرتبط با موضوع پژوهش از متون استخراج و توسط یک محقق فرایند احصاء کدهای اولیه از متون مورد نظر انجام شد. سپس با دسته‌بندی کدهای اولیه، مضامین پایه استخراج و در ادامه با انتزاعی کردن دسته‌بندی‌ها، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر شکل گرفت. در نهایت، شبکه مضامین متناسب با

1. Template Analysis
2. Thematic Matrix
3. Thematic Network
4. Comparative Analysis
5. Atride & Sterling

مضامین مستخرج ترسیم شد. برای اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش، از روش همسوسازی از طریق چند بررسی‌کننده یا همسوسازی تحلیلی‌گران^۱ استفاده شد. به این صورت که ابتدا کدگذار اول متون را با دقت مطالعه و پالایش کرد و کدهای پایه را استخراج نمود. سپس هم‌متن‌ها و هم‌فهرست کدهای پایه در اختیار دو کدگذار (اساتید راهنما و مشاور) قرار گرفت و در چندین جلسه مشترک، کدها و بسته‌های متنی بازبینی و بازنگری شدند؛ در این جلسات موارد تکراری حذف گردید و همچنین عناوین اختصاص یافته به کدهای پایه اصلاح شد. پس از اتمام این مرحله، کدگذار اول به دسته‌بندی اولیه کدها پرداخته و مضامین با سطح انتزاع بالاتر از کدهای پایه استخراج گردید. این مرحله از کدگذاری، در اختیار کدگذاران بعدی قرار گرفت و در جلسات مشترک مورد بررسی و تعدیل قرار گرفته و اصلاح کدهای مستخرج تحت عنوان کدهای سازمان‌دهنده و فراگیر انجام شد. پس از گذشت یک ماه از فرایند انجام کدگذاری، مجدداً خروجی نهایی (شبکه مضامین و فهرست کدها) توسط هر سه کدگذار مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت. انجام این رویه مرحله‌ای، همسوسازی تحلیلی‌گران را در تمامی سطوح اصلی کدگذاری (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) تأیید می‌کند. لازم به ذکر است که در کلیه مراحل تحلیل اطلاعات، پژوهشگران تلاش نمودند بر پیش‌فرض‌های ذهنی خود پرده گذاشته و با ذهنی باز فرایند پژوهش و مرحله تحلیل اطلاعات را انجام دهند. در ادامه، فهرست کامل کتاب‌های بررسی‌شده که مبنای فرایند تحلیل مضمون قرار گرفتند، در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- فهرست کتب مورد استفاده به عنوان جامعه پژوهش

کد کتاب	گروه سنی	سال چاپ	ناشر	پدیدآور	عنوان کتاب / داستان	مجموعه
۱	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	محمد(ص)	پیامبران و قصه‌هایشان
۲	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	ادریس(ع)	
۳	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	نوح(ع)	
۴	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	هود(ع)	
۵	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	سلیمان(ع)	
۶	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	زکریا(ع)	
۷	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	ذوالکفل(ع)	
۸	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	عیسی(ع)	
۹	۶-۱۰	۱۳۹۰	قدیانی	حسین فتاحی	ابراهیم(ع)	

مجموعه	عنوان کتاب / داستان	پدیدآور	ناشر	سال چاپ	گروه سنی	کد کتاب
	یعقوب (ع)	حسین فتاحی	قدیانی	۱۳۹۰	۶-۱۰	۱۰
	یوسف (ع)	حسین فتاحی	قدیانی	۱۳۹۰	۶-۱۰	۱۱
	ایوب (ع)	حسین فتاحی	قدیانی	۱۳۹۰	۶-۱۰	۱۲
	شعیب (ع)	حسین فتاحی	قدیانی	۱۳۹۰	۶-۱۰	۱۳
قصه‌های کربلا	حضرت علی اصغر	محمد جعفر کمالی جعفر ریوندی	کمال اندیشه	۱۴۰۲	الف، ب	۱۴
	حضرت رقیه (س)	محمد جعفر کمالی جعفر ریوندی	کمال اندیشه	۱۳۹۵	الف، ب	۱۵
قصه‌های شیرین	هدیه شیرین	مسلم ناصری	به‌نشر	۱۴۰۲	ب	۱۶
	پرنده آرزو	مسلم ناصری	به‌نشر	۱۳۹۸	ب	۱۷
صدای دل پیربابا		کلر ژوبرت	رود آبی	۱۴۰۲	ب	۱۸
دیدگی گفتم		کلر ژوبرت	به‌نشر	۱۳۹۹	ب	۱۹
یک داستان دنباله‌دار		کلر ژوبرت	صمیم	۱۴۰۲	ب	۲۰
برای مولا علی		کلر ژوبرت	رود آبی	۱۴۰۱	ب	۲۱
هدیه بادامک		کلر ژوبرت	سوره مهر	۱۳۹۹	ب	۲۲
آزادشده پیامبر (ص)		آذر رضایی	کتاب‌های شکوفه	۱۳۹۵	ب	۲۳

۴. یافته‌ها

به منظور واکاوی ویژگی‌ها و مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودکان، پس از بررسی منابع موجود و غربالگری کتب مورد بررسی، ۲۳ جلد کتاب که در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۹۰، در حوزه ادبیات کودکان با رویکرد اسلامی چاپ شده بود، وارد فرایند تحلیل شدند. در گام بعدی، به منظور واکاوی ویژگی‌ها و مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودکان رده سنی «الف و ب»، پس از مطالعه دقیق و چندین باره محتوای منابع پژوهش، با استفاده از روش شبکه تحلیل مضامین، ۱۸۴ مضمون پایه استخراج گردید. سپس مضامین پایه مستخرج براساس قرابت مفهومی ذیل مضمون سازمان دهنده متناسب با خود قرار گرفت و به مضامین سازمان دهنده مرتبط، مضمون فراگیر متناسب اختصاص داده شد. در این بخش از پژوهش مجموعاً ۱۸۴ مضمون پایه، ۳۹ مضمون سازمان دهنده و ۱۰ مضمون فراگیر از تحلیل داده‌ها به دست آمد. در جدول (۲) جمع‌بندی مولفه‌های مربوط به ویژگی‌ها و مولفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودکان رده سنی «الف و ب» در قالب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر ارائه شده است.

جدول ۲- مضامین مستخرج از فرآیند کدگذاری متن کتب به انضمام کد کتاب‌ها

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
راهنمایی و هدایت‌گری	هدایت دینی	راهنمایی دینی مردم (۷)، سفارش به نماز (۸)، سفارش به زکات (۸)، دعوت به دین خدا (۱)، نصیحت کردن مردم (۷)، راهنمایی و نجات‌گری (۳)
	دعوت به یکتاپرستی	دعوت به پرستش خدا (۴)، سخن گفتن از خدای یگانه (۸)
	سفارش به نیکی‌ها	سفارش مردم به یاری یکدیگر (۸)، سفارش مردم به مهربانی (۸)
	آموزش و راهنمایی	راهنمایی مردم (۶، ۲۰)، آموزش مهارت خیاطی (۲)، آموزش علم حساب به مردم (۲)، تعلیم نگارش به مردم (۲)، ابداع ترازو (۱۳)، مداومت بر تعلیم (۲)، اولین معلم (۲)
بهره‌مندی از قدرت‌های مافوق بشری	انجام معجزه و امور خارق‌العاده	شفای بیماران (۸)، شفای زخم لاعلاج (۱۷)، زنده کردن مردگان (۸)، به‌کارگیری اسباب غیبی (۱۷)، صاحب کرامت (۱۵)، قرآن خواندن هنگام تولد (۱۷)، سخن گفتن در نوزادی (۸)، گریه معنادر در نوزادی (۱۴)، به دنیا آمدن در کعبه (۱۶)، خواندن پیامبر اقی (۱)، داشتن ویژگی‌های خاص (۱۹)، ذکر گفتن در شکم مادر (۱۹)، ذکر گفتن بعد از تولد (۱۹)، نورانیت و خوش‌بویی (۱)، سبز شدن عصا با معجزه الهی (۵)، دست پربرکت (۵)، برکت حضور (۱)
	تحت امداد خاص الهی	سرد شدن آتش بر ابراهیم (۹)، عروج به آسمان برای نجات از دشمن (۸)، ناپدید شدن به امر خدا (۱۲)، حاضر غایب بودن (۱۲)، تولد پنهانی (۱۷، ۱۹)، بارداری مادر بدون داشتن همسر (۸)، عنایت به مادر در بارداری (۱، ۸)
	تسخیر طبیعت و ماوراء طبیعت	تسخیر باد و کوه و دریا (۵)، تسخیر عوامل ماورایی (۵)
	سخن گفتن با حیوانات	صحبت کردن با شتر (۲۳)، بلد بودن زبان پرندگان (۵)، احوال‌پرسی با چکاوک‌ها (۵)
	اطلاع از غیب	پیش‌بینی درست از آینده (۳)، اطلاع غیبی از حمله دشمن (۱)، علم تعبیر خواب (۱۱)
	بزرتری و بزرگ‌منشی از دوران کودکی	شایسته پیروی بودن در کودکی (۱۶)، بزرتری از برادران بزرگ‌تر (۱۱)، کسب مقام امامت در کودکی (۱۷)، ایمان آوردن به پیامبر در نوجوانی (۱۶)، یاری پیامبر خدا در نوجوانی (۱۶)، نبوت از نوجوانی (۵)
	عبادت خدا	عبادت کردن خدا (۱، ۶)، تنها عبادت‌کننده خدا (۳)، شب زنده‌داری (۷)، روزه‌داری در تمام عمر (۷)
	اعتقاد به خدا	بنده خدا دانستن خود (۸)
	اطاعت از خدا	انداز شاه به فرمان خداوند (۲)، دعوت‌گری به فرمان خدا (۳)، ساختن کشتی به فرمان خدا (۳)، تبلیغ به دستور خدا (۸)
	تبری	درهم شکستن بت‌ها (۱، ۹)، بی‌اعتنایی به حرف دشمن (۳)، جنگیدن با دشمن (۱)
مشروعیت دینی	اخلاص در عمل	کار برای رضای خداوند (۲۱)
	تابع نظام معیار حق	کمک به امام با انجام افعال محبوب نزد خداوند (۲۱)، کمک به امام با ترک افعال مبغوض نزد خداوند (۲۱)، همواره قابل اطاعت (۲۱)
	منتخب الهی	بعثت از سوی خدا (۳، ۷-۸)
	دریافت وحی	دریافت وحی الهی (۱۱) (۳)، دستور ابلاغ وحی به پیامبر (۲)
	واسطه خدا و مردم	الهی بودن دعوت (۳)، نبی الهی (۴، ۸)، ابلاغ دستور از سوی خدا (۱)

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
مرجعیت اجتماعی	مقبولیت اجتماعی	محل رجوع مردم در کارها (۲)، محل رجوع مردم در حل مشکلات (۲)، محترم بودن میان مردم (۵)، پذیرش مردمی (۸)، همراهی مردمی (۸)، سروسامان دادن به کارها (۱)
	مردمی‌بودن	ساده‌زیستی (۶)، همواره کنار مردم بودن (۶)، کشاورزی (۶)
	محبوبیت مردمی	محبوبیت نزد مردم (۲، ۷)، انتظار مردم در غیبت امام (۱۷)، ناراحتی مردم در شهادت امام (۱۹)
صبر بر دشمنی‌ها و سختی‌ها	تحمل آزار فیزیکی دشمن	پرتاب سنگ توسط دشمنان (۳)، پاره کردن لباس توسط دشمن (۱۵)، رنج کشیدن از فرط تشنگی (۱۴)، تصرف باغ (۱۲)، سیلی خوردن از دشمن (۱۵)، اصابت تیر دشمن به گلو (۱۴)، زندانی شدن (۱۱)، بیرون انداختن باغبان (۱۲)
	تحمل آزار روحی دشمن	تمسخر توسط بزرگان شهر (۳)، غم اسارت (۱۵)
	تحمل دشمنی‌ورزی مخالفان	تلاش دشمن برای دستگیری امام (۱۷)، طراحی نقشه قتل (۸)، تشدید دشمنی یهودی‌ها (۸)، تبعید (۱۸)، شهادت پدر توسط دشمن (۱۵)، دشمنی شیطان (۷)، محدودیت ارتباطی با مردم (۱۷)، شهادت توسط حاکم بدجنس (۱۹)، دشمنی شیطان (۶)
خردورزی	اندیشه‌ورزی	دانایی (۵)، فکر کردن پیش از پاسخ دادن (۱۶)
	تبیین‌گری	دعوت به تفکر (۹، ۱۳)، دعوت به تأمل در طبیعت (۳)
	دعوت به عاقبت‌اندیشی	انذارگری (۴، ۱۳)، یادآوری عاقبت گناه (۲)، هشدارگری (۲)
	مشورت‌ورزی	مشورت با پدر برای تصمیم‌گیری (۱۶)، توجه به نظر زبردستان (۶)
	مصلحت‌اندیشی	خارج شدن از شهر هنگام خطر (۶)، پنهان شدن از دشمن هنگام تهدید جان (۲)، دعوت پنهانی به دین خدا (۱)
	حمایت از حقوق مظلوم	کمک به انسان‌ها
خیرخواهی	حمایت از حقوق مظلوم	کمک به همه (۲، ۶، ۱۷)، تلاش برای آسایش مردم (۲، ۵)، ساختن بهترین ساختمان (۵)، ساختن شهرهای بزرگ و آباد (۵)، کمک در مهمانی (۱۶)، کمک به یاران (۱۷)، ایثارگری (۲۲)
	اعتقاد به برابری انسان‌ها	کمک به فرد ستمدیده (۷)، حمایت از حق شتر (۲۳)
عدالت‌جویی	ظلم‌ستیزی	ملاک ندانستن ثروت در ارزش انسان‌ها (۱۸)، عزیز دانستن همه بندهای خدا (۳)
	رعایت ادب	دعوت به ترک ظلم و ستم (۴)، دعوت به رعایت انصاف (۱۳)
حسن خلق	سیرت نیکو	احترام به پدر (۱۶، ۱۰)، اول سلام کردن (۱۸)، راستگویی (۱، ۴، ۱۰)، درستکاری (۱، ۴، ۱۰)، صبوری (۷، ۱۲)، وفاداری به دوست (۶)، امانتداری (۱)، شکرگزاری (۱۰، ۱۲)، وفای به عهد (۷)، توجه به نظر زبردستان (۶)، شجاعت (۱۶)
	خوش‌رویی	همیشه شاد بودن (۹، ۱۰)، خوش‌رویی (۷)، همیشه لبخند زدن (۹)، خوش‌زبانی (۱۰)، شادی و خوشحالی (۱۰)، همیشه خندان بودن (۹، ۱۰)
	مهربانی	شاد کردن کودکان (۱۶)، مهربانی با کودکان (۱۶)، مهربان بودن (۵، ۷، ۱۰)
	کنترل خشم	هرگز خشمگین نشدن (۷)، خوش‌رویی حتی هنگام خستگی (۷)، عصبانی نشدن (۷)

توضیحات پیش‌رو نشان می‌دهد که الگوهای دینی در ادبیات کودک چگونه معرفی و چه ابعادی از شخصیت آنان برجسته شده و کدام ابعاد مورد غفلت واقع شده‌اند.

مؤلفه «راهنمایی و هدایتگری»، قهرمانان دینی را به الگوهایی ارشادکننده و هدایتگر تبدیل کرده است. مطابق با زیرمؤلفه هدایت دینی، مردم را به راه درست رهنمون کرده و به انجام امور عبادی مانند نماز و زکات سفارش می‌کنند (کد ۸: «و به مردم سفارش می‌کرد که نماز بخوانند، زکات بدهند و به یکدیگر کمک کنند و با هم مهربان باشند»). همچنین، دعوت به یکتاپرستی (کد ۴: «... حالا هم به خدای یگانه ایمان بیاورید، دست از بت پرستی بردارید») و تلاش برای نشر فرهنگ توحیدی، آن‌ها را به عنوان الگوهایی برای تحقق توحید معرفی می‌کند. در کنار این موارد، سفارش به نیکی‌ها همچون یاری رساندن به یکدیگر و مهربانی نیز از دیگر آموزه‌های اساسی در این مؤلفه است. علاوه بر این، قهرمانان با آموزش مهارت‌های عملی مانند خیاطی، حساب، نگارش و ابداع وسایل کاربردی مانند ترازو، در ارتقای دانش و توانایی‌های فردی مؤثرند (کد ۱۳: «شعیب فکری کرد و برای اولین بار وسیله‌ای درست کرد که به وسیله آن می‌شد چیزها را وزن کرد. این وسیله همان ترازو است»).

مؤلفه «خدایپرستی و نفی طاغوت» بر ایمان راسخ به خداوند و بندگی خالصانه او تأکید دارد. این ویژگی‌ها شامل اعتقاد قلبی به خداوند و پرستش بی‌ریای او است که در قالب اعمالی چون شب‌زنده‌داری و روزه‌داری در طول زندگی تجلّی یافته است (کد ۷: «... مثل همیشه روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را بیدار بود و عبادت می‌کرد»). شخصیت‌های قهرمان خود را بنده خدا می‌دانند و در همه امور از فرمان‌های الهی پیروی می‌کنند، مانند ساخت کشتی یا دعوت‌گری به فرمان خدا (کد ۳: «نوح که همیشه گوش به فرمان خدا بود، به دنبال ساختن کشتی رفت»). در بُعد نفی طاغوت، این الگوها با تبّری‌جویی از بت‌ها و بی‌اعتنایی به سخنان دشمنان (کد ۳: «نوح به حرف آدم‌های همه‌کاره شهر گوش نکرد و با مردم حرف زد») در مسیر مبارزه با ظلم و فساد گام برمی‌دارند. از سوی دیگر، اخلاص در عمل و تلاش برای رضای خداوند، قوت و تأثیر بیشتری به شخصیت قهرمانان می‌بخشد.

مؤلفه «مشروعیت دینی»، به تبیین جایگاه الهی و تأیید صحت عملکرد الگوها در چارچوب نظام معیار حق می‌پردازد. در این راستا، قهرمان داستان به اعمالی که مورد پسند خداوند است، اهتمام دارند و از کارهای ناپسند نزد او پرهیز می‌کنند؛ بنابراین، در هر عصر و زمانه‌ای قابل پیروی هستند (کد ۲۱: «بیعت با علی (ع) فقط مربوط به آن زمان نیست؛ تا آخر دنیا هرکس حرف پیامبر (ص) را قبول دارد، باید در دلش با علی (ع) بیعت کند»). از سوی دیگر، برگزیده شدن این شخصیت‌ها از سوی خداوند (کد ۷: «یسع از دنیا رفت و خداوند ذوالکفل را به پیامبری انتخاب کرد»)، مشروعیت ایشان را به عنوان منتخبین الهی و

واسطه‌هایی میان خدا و مردم به تصویر می‌کشد، که از طریق وحی (کد ۲: «خداوند به ادریس وحی کرد») و ابلاغ پیام‌های الهی این مهم را برعهده دارند. این مولفه به صورت ضمنی مشروعیت و تأیید الهی شخصیت‌های قهرمان را تقویت کرده و پیام داستان را برای کودک جذاب‌تر و الهام‌بخش‌تر می‌سازد.

مؤلفه «عدالت‌جویی» شامل مضامین بنیادینی است که براساس آن قهرمانان به طور مداوم برابری و انصاف را در برخورد با انسان‌ها ترویج می‌دهند. آن‌ها با اعتقاد به برابری انسان‌ها، هیچ‌گونه تمایزی میان افراد بر مبنای پول و ثروت (کد ۱۸: آقای همسایه با اخم پرسید: «مگر ثروتمندان شهر، امام را دعوت نکرده‌اند؟» وسط پیچ‌پیچ‌ها یکی آرام گفت: «... چطور هنوز نمی‌دانید چه چیزهایی برایشان ارزش دارد و چه چیزهایی در نظرشان بی‌ارزش است؟») قائل نیستند و همه بندگان را نزد خداوند عزیز می‌دانند (کد ۳: نوح گفت: «خوبی و بدی آدم‌ها به پول و ثروت نیست. خداوند همه بنده‌هایش را دوست دارد و همه برای او عزیز هستند»). از این‌رو، بر این باورند که همگان در پیشگاه خداوند متعال برابرند. علاوه بر این، در برخی متون بر ظلم‌ستیزی و دعوت به رفتار عادلانه تأکید شده است (کد ۴: «... دست از ظلم و ستم به دیگران بردارید و...»). در این نمونه‌ها، قهرمانان نه تنها خود از ستم‌ورزی پرهیز می‌کنند، بلکه دیگران را نیز به رعایت انصاف در تعاملات اجتماعی فرامی‌خوانند. چنین مضامینی با تکیه بر اصول اخلاقی اسلامی، به ترویج عدالت در سطح فردی و جمعی کمک می‌کند.

مطابق مؤلفه «مقبولیت و محبوبیت اجتماعی»، قهرمانان اغلب به عنوان مرجع معتمد و مورد رجوع مردم در حل مشکلات و امور مهم اجتماعی شناخته می‌شوند و از احترام و پذیرش عمومی بالایی برخوردارند. این شخصیت‌ها به دلیل ساده‌زیستی (کد ۶: «زکریا مثل مردم عادی کار می‌کرد. او روزها به کشاورزی مشغول بود و...») و و حضور همیشگی در کنار مردم (کد ۶: «زکریا همیشه کنار مردم بود»)، الگویی از مردمی بودن هستند و همواره در کنار جامعه حضور دارند. به علاوه، در میان مردم از محبوبیت بالایی برخوردارند و پیوندهای عاطفی عمیقی میان آنان و مردم شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که در فقدان یا شهادت آنان با ابراز ناراحتی نمایان می‌شود (کد ۱۹: «کم‌کم لای برگ‌هایم پر از گریه گنجشک‌ها شد و کوچه‌های مدینه، پر از گریه آدم‌ها»). این ویژگی‌ها، قهرمانان داستانی را به الگوهای مورد احترام و علاقه کودکان تبدیل کرده است.

براساس مؤلفه «صبر بر دشمنی‌ها و سختی‌ها»، قهرمانان همواره تحت فشار دشمن هستند و از تجاوز و ستمگری آنان رهایی ندارند. آن‌ها در برابر آزارهای فیزیکی و روانی متعدد مانند تحمل تشنگی، پرتاب سنگ و تیر، تمسخر (کد ۳: «وقتی بزرگان شهر متوجه شدند که نوح دارد کشتی می‌سازد، پیش او رفتند و

به او خندیدند و مسخره‌اش کردند)) و تحمل غم‌هایی نظیر اسارت (کد ۱۵): «اسیر شدن تو اون روز/ رقیه و عمه‌جون» و شهادت عزیزان، پایداری نشان می‌دهند. در برابر نقشه‌ها و دشمنی‌های سازمان‌یافته همچون تلاش برای دستگیری، تبعید (کد ۱۸): «سال ۲۰۰ یا ۲۰۱ به دستور مأمون عباسی، خلیفه آن زمان، به ایران آمدند» و حتی تهدیدهای شدید با قدرت و تحمل بالا ایستادگی می‌کنند. این مؤلفه نشان می‌دهد که قهرمانان با ایمان و صبر در مواجهه با سختی‌ها و دشمنی‌ها ثابت‌قدم می‌مانند و الگویی الهام‌بخش برای تحمّل و پایداری در زندگی محسوب می‌شوند.

مؤلفه دیگر، «قدرت‌های ماوراء بشری است»؛ ظرفیتی که بازتاب‌دهنده ارتباط ویژه این شخصیت‌ها با عالم غیب و برخورداری آنان از یاری‌های الهی است. این قدرت‌ها در متون مورد بررسی با جلوه‌هایی چون انجام معجزات و امور خارق‌العاده ترسیم شده‌اند؛ چنین نمودهایی شامل شفای بیماران (کد ۸: «خداوند به عیسی قدرتی داد تا ... بیماری‌ها را شفا دهد»)، زنده کردن مردگان، یا تسخیر نیروهای طبیعی چون باد و دریا بوده و برای مخاطب کودک، جلوه‌ای از توانمندی معنوی و جایگاه الهی این الگوها را بازنمایی می‌کند. همچنین بیانگر موقعیت‌های مختلفی هستند که امداد خاص الهی مانند سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم، تولد پنهانی امام زمان (عج) و... در این گروه قرار می‌گیرند و یا مطابق برخی داستان‌ها از علم غیب برخوردارند، تعبیر خواب می‌دانند (کد ۱۱: «یکی از درباری‌ها که قبلاً در زندان فرعون بود و یوسف را می‌شناخت، گفت: «ای فرعون! جوانی در زندان مصر است که معنی خواب‌ها را می‌داند»)، با حیوانات سخن می‌گویند (کد ۲۳: «پیامبر رو به شتر کرد و گفت: «صاحب دیگر تو را اذیت نمی‌کند. می‌توانی با او به خانه‌اش بروی» و قدرت‌هایی را در اختیار دارند که از دیدگاه انسانی معمولی غیرممکن به نظر می‌رسد و در حقیقت جلوه‌ای از پاداش بندگی خالصانه و بی‌ریای خداوند است که آن‌ها را تحت حمایت خاص خود قرار داده است.

مؤلفه «خردورزی» بیانگر مجموعه توانایی‌های فکری است که به قهرمان در تفکر، تصمیم درست و اقدام موثر کمک می‌کند. بُعد اندیشه‌ورزی، شامل دانایی و تفکر پیش از پاسخ است که سبب می‌شود با تأمل در مسائل و جلوگیری از تصمیمات عجولانه، راه‌حل‌های بهتری ارائه گردد. تبیین و دعوت به تفکر، کودک را به درک عمیق‌تری از دنیای پیرامون تشویق می‌کند و دعوت به عاقبت‌اندیشی از طریق انذار، هشدار و یادآوری عواقب اعمال (کد ۴: «و بدانید اگر کار بدی کردید، روزی باید جواب آن کار بد را بدهید»)، او را به تفکر در نتایج تصمیمات خود سوق می‌دهد. مشورت (کد ۱۶: «سرش را پایین انداخت و گفت: اجازه بدهید با پدرم صحبت کنم» و نظرخواهی از دیگران نیز، اهمیت همکاری و تصمیم‌گیری گروهی را نشان می‌دهد. نهایتاً، مصلحت‌اندیشی نشان می‌دهد که قهرمان با اعتناء به شرایط و خطرات

احتمالی، گاهی برای حفظ جان یا دین خود از اقدامات پنهانی یا احتیاط‌آمیز بهره می‌برد (کد ۶: «زکریا هم از ترس مأموران شاه از شهر خارج شد»).

براساس مؤلفه «خیرخواهی»، الگوهای دینی همواره درصدد آسایش افراد جامعه و یاری رساندن به انسان‌ها اعم از خانواده و دوستان و همه آدم‌ها هستند (کد ۲: «ادریس هم به همه کمک می‌کرد») و می‌خواهند دنیا را پر از خوبی کنند (کد ۲۰: «یعنی امام زمان روزی بیایند و دنیا را پر از خوبی کنند»). از دیگر ویژگی‌های بارز این قهرمانان، حمایت از حقوق مظلومان است که در مواردی مانند کمک به فرد ستم‌دیده و دفاع از حقوق ضایع‌شده حتی حقوق حیوانات (کد ۲۳: «پیامبر به صاحب شتر گفت: «چرا شترت را اذیت می‌کنی؟ از او زیاد کار می‌کشی و آب و آذوقه درست و حسابی به او نمی‌دهی») نمود پیدا می‌کند. این ویژگی‌ها درکنار هدایت کودکان به سمت رفتارهای اخلاقی، به آنها یاد می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حمایت از حقوق دیگران جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت انسانی است. بدین ترتیب، داستان‌ها با نمایش رفتارهای خیرخواهانه، الگوهایی از انسانیت و نوع‌دوستی را معرفی می‌کنند که در شکل‌گیری هویت اخلاقی و اجتماعی کودکان مؤثر است.

مؤلفه «حُسن خلق» مشتمل بر مجموعه‌ای از خصایل اخلاقی و رفتاری است. یکی از نمودهای بنیادین آن، رعایت ادب است؛ به‌ویژه در قالب رفتارهایی همچون احترام به والدین و پیش‌قدم شدن در سلام، که بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی محترمانه و سازنده را فراهم می‌سازد (کد ۱۸: «امام رضا(ع) از دور سلام دادند و پیر بابا و خدیجه با شادی جواب دادند»). در کنار آن، سیرت نیکو با ویژگی‌هایی چون راستگویی، درستکاری، صبوری، وفاداری به دوستان، شکرگزاری (کد ۱۰: «یعقوب گفت: «خدای بزرگ را سپاس می‌گویم») و امانتداری (کد ۱: «خدیجه گفت: «محمد امین! چه کسی بهتر از او که به امانتداری معروف است»)) از دیگر ارکان این مؤلفه محسوب می‌شود. بُعد خوش‌رویی با تأکید بر شادابی، لبخند و خوش‌زبانی، به قهرمانان داستان‌ها ویژگی‌هایی جذاب و موثر می‌بخشد. مهربانی با کودکان و روحیه ایثارگری نیز، به عنوان عناصر دیگر این مؤلفه نمایانگر روحیه نوع‌دوستی آن‌ها در تعاملات اجتماعی و خانوادگی است. در نهایت، کنترل خشم و حفظ آرامش حتی در شرایط دشوار، بیانگر این پیام است که در مواجهه با چالش‌ها، باید عواطف خود را کنترل کرده و بر آنها تسلط یابند.

خردسال و ادبیات دینی نیست. نزدیک‌ترین مطالعه به پژوهش حاضر، اثر موسی‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) است که همانند این پژوهش بر نقش الگوهای دینی در تربیت کودک و اهمیت کنش‌مندی شخصیت‌ها تأکید دارد. با این حال، دو تفاوت اساسی میان این دو وجود دارد: نخست، تفاوت گروه سنی؛ به‌گونه‌ای که پژوهش مذکور بر کودکان دوره ابتدایی متمرکز است، در حالی که پژوهش حاضر گروه سنی «الف و ب» را مدنظر قرار داده است. دوم، تفاوت در چارچوب مفهومی؛ بدین معنا که پژوهش مذکور الگوی قهرمان دینی را با رویکردی توصیفی- تربیتی و در چارچوب روابط چهارگانه انسان تحلیل کرده، اما پژوهش حاضر با تکیه بر مفهوم قرآنی «اسوه»، به نسبت‌یابی مؤلفه‌های شخصیتی الگوهای اصیل دینی با امکان الگوپذیری کودک خردسال پرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر خلأ موجود در بررسی الگوهای دینی متناسب با کودکان گروه سنی «الف و ب» را پوشش داده و گامی مکمل و رو به جلو در این حوزه به‌شمار می‌آید. تحلیل و بررسی کتب لغت، و تفاسیر قرآن نشان داد که شاخصه‌های اسوه از منظر رویکرد اسلامی مشتمل بر شاخصه‌های جامعیت، فرازمانی بودن، سنخیت با پیرو، همراهی عملی و تعمیم‌پذیری می‌باشند. همچنین شبکه مضامین مؤلفه‌های شخصیتی الگوهای دینی در ادبیات کودک شامل راهنمایی و هدایتگری، قدرت‌های ماوراء بشری، خداپرستی و نفی طاغوت، مشروعیت دینی، مقبولیت و محبوبیت اجتماعی، صبر بر دشمنی‌ها و سختی‌ها، خردورزی، خیرخواهی، عدالت‌جویی و حسن خلق استخراج شد. در ادامه، تحلیل مؤلفه‌های ده‌گانه مذکور براساس مبانی اسلامی و بنیان نظری روانشناختی ارائه شده است.

نخست، شاخصه جامعیت بیانگر کمال اسوه و سرآمد بودن او در همه زمینه‌ها است. از این‌رو انتظار می‌رود تصویری که از اسوه دینی در ذهن کودک نقش می‌بندد، دارای ابعاد گوناگونی باشد و بتواند برای تمام مسائل مبتلابه بشر راهکار ارائه کند. بررسی کدهای ادبیات کودک نشان داد که شبکه مضامینی که ترسیم‌کننده چهره الگوهای دینی در مجموع آثار می‌باشد، به ترتیب ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی را در پنج مؤلفه، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی را در چهار مؤلفه، و ساحت تربیت علمی و فناوری را در یک مؤلفه پوشش می‌دهد. بنابراین، چهره ارائه‌شده از الگوهای دینی عمدتاً صبغه عبادی- اخلاقی، اجتماعی و تا حدی علمی داشته است. این ساختار مفهومی، ضمن اینکه سبب تقویت هویت دینی کودکان می‌شود، به درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کمک می‌کند و به تفکرورزی تشویق می‌کند؛ اما در عین حال فقدان توجه به ساحت‌هایی چون تربیت زیستی- بدنی، زیبایی‌شناختی- هنری و اقتصادی- حرفه‌ای در آثار مشهود است و پرداختن به آن‌ها می‌تواند به ارائه تصویری جامع‌تر از اسوه‌های دینی کمک کند، تا در این سنین که بنیان شخصیت کودکان بنا نهاده می‌شود، گرایش‌ها و ارزش‌های کودک

به نحو کامل تر و مطلوب تری شکل بگیرد. از طرف دیگر، در برخی آثار مانند «حضرت علی اصغر(ع)» و «حضرت رقیه (س)» به دلیل اینکه عموم توصیفات و واژه پردازی ها در داستان، صرف بیان حوادث جنگ و شرح مظلومیت اهل بیت(ع) (کد ۱۴ و ۱۵) شده، چهره‌ای مظلوم و منزوی از ایشان ارائه کرده و قهرمانی که باید سراسر تجلّی کمال و احساس قدرت و توانمندی باشد، گویی در دنیای ملموس و عینی کودک دچار نقص شده و با پایان بندی شهادت به شکست مطلق رسیده است. اهمیت این مسئله از آنجا آشکار می‌شود که مطابق با دیدگاه پیازه، کودکان زیر ۱۰ سال تفکر یک‌سویه دارند و قضاوت‌هایشان بر مبنای هدف و انگیزه که رضایت و اطاعت الهی می‌باشد، نیست، بلکه بر بنیان نتیجه ظاهری یعنی شهادت، انفعال و ظلم‌پذیری استوار است. روایت ارائه شده در آثار مذکور برخلاف حقیقت نیست؛ لکن باید توجه داشت که هدف، شرح اخبار گذشته نیست، بلکه روایت مقتضی مخاطب، مقصود است. روایتی که جلوه‌های اقتدار و کمال را نمایش دهد، نه اینکه چهره‌ای منفعل و آسیب‌پذیر از قهرمانان ارائه دهد. البته خاصیتاً در خصوص این دو داستان به جهت صغر سن، ویژگی‌های کمتری از قهرمان می‌توان ارائه داد، بدین منظور می‌توان از ابعاد ارتباطی امام(ع) و دیگران با این دو بزرگوار در روایت بهره گرفت. دومین شاخصه یعنی فرازمانی بودن، بدین معناست که کارکرد اسوه در زندگی انسان‌ها پایان‌ناپذیر است و اسوه واقعی کسی است که می‌تواند برای انسان در هر زمان نسخه عملی ارائه کند. اگرچه این شاخصه در اثری چون «قصه بادامک» به خوبی رعایت شده و در آن مصادیق ایثار در موقعیتی ملموس و عینی، با زبانی طنز و کودکانه بیان شده است؛ لکن بررسی‌ها نشان می‌دهد که تلاش‌های اهالی ادبیات در این حوزه بویژه در مجموعه‌های «پیامبران و قصه‌هایشان»، «قصه‌های کربلا» و «قصه‌های شیرین» غالباً مصروف شرح زندگانی بزرگان دین و توصیف فضائل آنان در همان زمانه گردیده و پیوند ملموسی با زمان حال ندارد. بنابراین، احتمالاً در بسیاری از مصادیق از فضای ذهنی کودک قرن ۲۱ میلادی فاصله می‌گیرد و قابلیت هم‌ذات‌پنداری که لازمه الگوگیری است را از دست می‌دهد و از طرف دیگر فاقد زمینه معنادار برای طی مراحل یادگیری مشاهده‌ای می‌شود. شاخصه سوم سنجیت با پیروان، به این امر اشاره دارد که الگوی انسان‌ها باید از جنس بشر باشد، تا بتواند انسان‌ها را با خود همراه کند و به تعبیری بتواند توجه یادگیرنده را به خود جلب کرده و او را در فرایند الگوگیری قرار دهد. بنابراین، روایت از قهرمان نباید به گونه‌ای باشد که سبب ایجاد احساس افتراق گردد. در این خصوص اختصاص ۴۰ کد از مجموعه ۱۸۰ کد پایه، به مولفه قدرت‌های ماوراء بشری قابل توجه و محل بحث است. این مولفه، نمایانگر ارتباط خاص این شخصیت‌ها با عالم غیب و یاری‌های ویژه‌ای است که از سوی خداوند در اختیار آنان قرار می‌گیرد. شامل قدرت‌هایی از قبیل انجام معجزات و امور خارق‌العاده همچون شفا دادن بیماران (کد ۸)، زنده کردن مردگان (کد ۸)،

و تسخیر طبیعت و ماوراء طبیعت (کد ۵) و... . همچنین بیانگر موقعیت‌های مختلفی‌اند که امداد خاص الهی مانند سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم (کد ۹)، تولد پنهانی امام زمان (عج) (کد ۱۷ و ۱۹) و... قرار می‌گیرند؛ یا مطابق برخی داستان‌ها از علم غیب (کد ۱) برخوردارند، با حیوانات سخن می‌گویند (کد ۲۳ و ۵) و قدرت‌هایی را در اختیار دارند که از دیدگاه انسان معمولی غیرممکن به نظر می‌رسد. از این رهگذر دو نکته مهم مطرح می‌شود: اول اینکه باید ظرفیت شناختی کودک و میزان درک او از امور خارق‌العاده بررسی شود، تا تاثیر این ابعاد بر امکان الگوگیری واقعی در کودک روشن گردد؛ که این مسئله موضوع مجزایی است و نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. ثانیاً تعلق گرفتن امدادهای خاص الهی بر این بندگان موخر از این موضوع مهم است که آن‌ها چه کردند تا استحقاق دریافت این امدادها را یافتند. حضرت ابراهیم (ع) در متن زندگی دنیا خلیل‌الله شد. اینکه او چگونه بندگی کرد، تا به این مقام دست یافت و به إذن خداوند آتش بر او سرد شد، موضوع مهمی است که در مسئله الگوگیری مهم‌تر از خود آن امدادها و معجزات بوده و لازم است با بسامد بالاتری بدان‌ها پرداخته شود. چهارمین شاخصه یعنی همراهی عینی و عملی، تربیت الگویی را از سطح نظری فراتر برده و به تجربه‌ای ملموس و کاربردی تبدیل می‌کند، تا بتواند قلاب مرحله اول یادگیری مشاهده‌ای یعنی توجه را در ذهن یادگیرنده متصل کند. بدین منظور از طرفی انتظار می‌رود وقایع حیات ائمه مانند آنچه در روایت «قصه بادامک» بیان شده است، با موقعیت‌های قابل درک کودک پیوند برقرار کند؛ در حالی‌که در اغلب آثار مانند مجموعه‌های «پیامبران و قصه‌هایشان»، «قصه‌های کربلا»، «قصه‌های شیرین» و کتاب «آزاد شده پیامبر (ص)» اهتمام نویسنده عموماً مبذول شرح اخبار گذشته است، نه روایتگری مناسبی که زمینه‌ساز ورود سیره عملی الگو به متن زندگی کودک گردد. از طرف دیگر، برخی کلی‌گویی‌ها مانند راستگویی (کدهای ۱، ۴، ۱۰)، درستکاری (۱، ۴، ۱۰)، «دانایی» (کد ۵) و... با شاخصه فوق تضاد دارد و باید توجه داشت که صرف بیان یک واژه مانند شجاعت، بار شجاعت‌ورزی شخصیت را در روایت به دوش نمی‌گیرد و نیازمند قصه‌سازی است. البته این شاخصه در کتاب «ذوالکفل (ع)» تا حد خوبی منعکس شده است. تعمیم‌پذیری به عنوان پنجمین شاخصه بیانگر این موضوع است که اسوه از نگاه قرآن، مفهومی ذومراتب است؛ بدین معنا که نه تنها انبیای الهی و اوصیای آنان، بلکه اصحاب و پیروان راستین آن‌ها نیز می‌توانند برای کودکان الگو باشند. شناسایی و معرفی این الگوها خصوصاً الگوهای معاصر اولاً نشان می‌دهد که این راه شدنی است و می‌توان با تأسی به آن‌ها، در مسیر هدایت گام برداشت. ثانیاً، در نسبت با اولیای الهی، نمونه‌های ملموس‌تر و دست‌یافتنی‌تری به نظر می‌آیند که در طول همان مسیر گام برداشته و انگیزه بیشتری در کودک برای شبیه شدن به الگو ایجاد می‌کند و احتمال دنباله‌روی را افزایش می‌دهد. بر این اساس، انتظار می‌رود تلاش‌هایی که در حوزه ادبیات،

مصروف الگوسازی برای کودکان می‌شود، به این مسئله اهتمام جدی داشته باشد و از الگوسازی از اصحاب ائمه، بزرگان دین، علما، شهدا و اندیشمندان انقلاب اسلامی به عنوان ظرفیتی جدی بهره‌برد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، کمبود کتاب‌های داستانی کودک در حوزه انبیاء، معصومین (ع) و فرزندان ایشان در گروه سنی «الف و ب» بود و این موضوع جامعیت یافته‌ها را تحت تأثیر قرار داد. همچنین از آنجا که تمرکز اصلی، بر بازنمایی الگوهای دینی کتاب‌های داستان کودک بود، امکان مقایسه با سایر گونه‌های ادبی (شعر، نمایشنامه و آثار چندرسانه‌ای) میسر نشد. همچنین پژوهش حاضر زمینه‌ساز پیشنهاداتی برای آینده است. در زمینه پژوهشی، انجام مصاحبه با والدین و مربیان به منظور بررسی تجربی میزان اثرگذاری شخصیت‌ها در کتاب‌های کودک بر نگرش و رفتار واقعی کودکان، از پیشنهادات پژوهش حاضر است. همچنین مطالعه تطبیقی میان بازنمایی الگوها و قهرمان‌ها در ادبیات کودک ایران و سایر کشورها می‌تواند نتایج قابل توجهی در پی داشته باشد. علاوه بر این موارد، پژوهش در زمینه تحلیل روان‌شناختی ظرفیت‌های شناختی کودکان برای درک عناصر ماوراءبشری شخصیت‌ها و تأثیر این عناصر بر فرایند الگوپذیری آنها، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود. در نهایت، پیشنهاد می‌شود بازنمایی الگوهای دینی در سایر رسانه‌های آموزشی صوتی و تصویری (تلویزیون، پویانمایی و غیره) مورد بررسی قرار گیرد.

در زمینه کاربردی پیشنهاد می‌شود، نویسندگان کودک فضایل اخلاقی و دینی اسوه‌ها را در موقعیت‌های روزمره و ملموس زندگی کودک - مانند محیط بازی، مدرسه، خانواده و دوستی‌ها - بازنمایی کنند، تا قابلیت هم‌ذات‌پنداری و الگوبرداری تقویت شود. برای نمونه، عدالت‌جویی می‌تواند در رعایت نوبت در صف یا تقسیم منصفانه وسایل بازی، خیرخواهی در کمک به همسالان یا حمایت از دوست ناراحت، صبر و بردباری در مواجهه با ناکامی‌های کوچک مانند باختن در بازی، و صداقت در اعتراف به اشتباه بازنمایی شود. همچنین توجه به تولید محتواهایی که علاوه بر جنبه‌های عبادی و اخلاقی، ابعاد علمی، عقلانی، جسمانی و زیباشناختی شخصیت‌های دینی را منعکس می‌سازد، می‌تواند به شکل‌گیری الگویی متوازن در ذهن کودک کمک نماید.

— منابع —

قرآن کریم

- ابن فارس (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبد السلام محمد هارون. دارالفکر، ج ۱.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صا، ج ۱۴.
- امامی، محمد (۱۳۹۵). نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان. *آموزه‌های قرآنی*، ۱۵(۲۳)، ص ۷۹-۱۰۶.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۷). معاصر سازی اسوه‌های دینی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴۲)، ص ۱۰۳-۱۳۱.
- حسینی، سید بشیر (۱۳۹۱). کارکرد الگویی شخصیت‌پردازی بر مخاطب؛ مطالعه موردی عروسک باربی. *دین و ارتباطات*، ۱۹(۱)، ص ۵-۳۵.
- خوی‌نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا (۱۴۰۲). *نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها (ویلیام کرین)*. تهران: رشد.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*. دفتر نشر کتاب، ج ۱، چاپ دوم.
- راوک، امیر (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی روش الگویی در تربیت دینی جوانان از منظر قرآن و حدیث. *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۳(۲۹)، ص ۷۲-۸۳.
- رمضانی، فاطمه؛ حیدری، مسعود (۱۳۹۱). روش‌های تربیت اجتماعی کودک براساس قرآن و نهج البلاغه. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۹(۶)، ص ۱-۱۹.
- زین‌العابدینی، پیام؛ ولی‌پور، مهناز (۱۴۰۲). کاربست قهرمان‌پروری در سینمای کودک و نوجوان پس از انقلاب براساس الگوی سفر قهرمان (مورد مطالعه: فیلم‌های بچه‌های آسمان و من ترانه پانزده سال دارم). *رسانه*، ۳۴(۴)، ص ۱۲۷-۱۵۸.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۹). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. تهران: دوران، چاپ هفتاد و دوم.
- شریفی، عنایت (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی روش‌های تعلیم و تربیت کودک در نظام تربیتی اسلام و پراگماتیسم. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۱۵(۱)، ص ۲۳-۴۲.
- شیخ طوسی، محمد (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: احیاء التراث العربی، ج ۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۶.
- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۱). *نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت*. تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- قائم مقدم، محمد رضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. *معرفت*، ۱۲(۶۹)، ص ۲۵-۳۷.
- قجری، حسینعلی؛ محسنی پشت‌ساری، سمیه (۱۴۰۱). تحلیلی بر نقش شخصیت‌های کارتون‌ی غیرایرانی در الگوپذیری فرهنگی کودکان از منظر والدین (جمعیت مورد مطالعه: والدین کودکان ۶ تا ۱۲ سال شهر صومعه‌سرا). *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۳(۲)، ص ۸۹-۱۱۸.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۷). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۹.
- کامیابی، محمد مهدی؛ طارمی‌راد، حسن؛ خالقیان، فضل‌الله (۱۳۹۷). تأملی در معناشناسی واژه «اسوه» در قرآن و حدیث. *علوم حدیث*، ۲۳(۲)، ص ۳۳-۵۹.
- کاویانی، محمد؛ نظری، مصطفی (۱۴۰۱). کاربست روش تحلیل مضمون در بررسی و مقایسه جایگاه «فکر» در روان‌شناسی

- قرآن بنیان. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۸ (۱۱۰)، ص ۵۳-۷۰.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). *دانشنامه قرآن و حدیث*. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ج ۴.
- محمدی سیف، معصومه؛ عارف، محمد (۱۳۹۷). لزوم تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای عملی برای خانواده. *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، ۱۱ (۱)، ص ۶۷-۱۰۲.
- محمدی، مهدی؛ آزاده، فریدون؛ باب‌الحوائجی، فهیمه (۱۳۸۹). نقش ادبیات در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان با تاکید بر گرایش‌های دینی و اخلاقی. *تربیت اسلامی*، ۵ (۱۰)، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- مراذیان، آرش؛ نوری‌زاد، داوود (۱۳۹۷). بررسی و بازکاوی آموزش‌های پیش‌دبستانی و نقش آن در رشد مهارت‌های کودکان. *پیشرفت‌های روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۱ (۵)، ص ۸-۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *مجموعه آثار*. صدرا، ج ۲۷.
- مظفری، زینب؛ سیفی‌کناری، فاطمه (۱۳۹۹). تاثیر الگو در تربیت عبادی کودک. *مطالعات دین‌پژوهی*، ۴ (۷)، ص ۳۳-۴۴.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. دار الکتاب الاسلامی، ج ۷.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ آشتیانی، محمدرضا (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۴، ۱۲-۱۳.
- موسی‌زاده، زهره؛ فریدی خورشیدی، منا؛ پورمحمد، طیبه (۱۴۰۳). واکاوی ویژگی‌های الگوی قهرمان با رویکرد اسلامی در ادبیات کودکان دوره ابتدایی. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۱۰ (ویژه‌نامه)، ص ۱۷۷-۱۹۶.